www.aminnews.ir | aminnewspaper1376 | روزنامه سراسری و کثیرالانتشار صبح ایران | قیمت ۱۰۰۰۰ تومان | aminnewsagency | amine.mardom@yahoo.com



آینده ایران را مردم ایران رقم خواهند زد

امین

PDF Compressor Free Version

هشدار عراقچی به کشورهای منطقه



دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۵ / ۱۹ صفر ۱۴۴۸ هـ. ق / 3 August 2026 / شماره ۷۲۸۱ / سال بیست و نهم

اربعین از جزیره خارگ تا کربلا؛ جلوه‌ای از عشق و اخلاص



یادداشت

توافق یا آتش بس موقت ترامپ؟!

نسیبه پیرایش

در حالی که سایه‌ی جنگ بر خاورمیانه سنگینی می‌کرد و تهدیدات ترامپ مبنی بر هدف قرار دادن زیرساخت های انرژی ایران به اوج خود رسیده بود، ناگهان چرخش غیرمنتظره‌ای در واشنگتن رخ داد.

دونالد ترامپ با اداعای واکنش به درخواست ایران و برخی کشورهای منطقه، اعلام کرد که حمله نظامی برنامه‌ریزی شده علیه جمهوری اسلامی را متوقف کرده تا فرصت برای دستیابی به یک توافق فراهم شود. اما آیا این یک چرخش دیپلماتیک واقعی است یا تنها یک وقفه استراتژیک برای بازآرایی قدرت؟

ترامپ در شبکه تروث سوشال مدعی شد که هدف او ایجاد زمینه‌ای برای ایران مرفه است مشروط بر این که توافقی شامل «بازگشایی فوری، کامل و بدون محدودیت تنگه هرمز» و همچنین پایان دادن به آنچه او «تهدید هسته‌ای ایران» می‌نامد، حاصل شود.

ترامپ بار دیگر از همان اسلوبی استفاده می‌کند که هم «تکه‌پاره‌کننده» است و هم «نجات‌بخش». او ابتدا با تهدید به نابودی زیرساخت های انرژی ترس را در منطقه می‌کارد و سپس با ادّعای شفقت برای آینده ایران، نقش معامله‌گر را بازی می‌کند. پشت این پرده جذاب «ایران مرفه» پیامی پنهان است: امتیازدهی در ازای امنیت.

اما مشکل اینجا است که بازی ترامپ با واقعیت‌های ساختاری ایران در تضاد است. او از بازگشایی بدون محدودیت تنگه هرمز حرف می‌زند، در حالی که در پارلمان ایران، بحث بر سر این است که چگونه حاکمیت ایران بر این گلوگاه استراتژیک را قطعی‌تر کند. اظهارات اخیر جلیل محبی، معاون حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس، نشان می‌دهد که ایران نه تنها در حال تدوین ۱۴ طرح مختلف برای اعمال حاکمیت در تنگه است بلکه بر تعیین دقیق اختیارات نهادهایی نظیر سپاه یا ستاد کل نیروهای مسلح تاکید دارد. یعنی تنگه هرمز برای ایران یک کارت بازی نیست بلکه یک مرز حاکمیتی است که بر سر آن سازش نخاوهد کرد.

علاوه بر این عبارت مبهم ترامپ درباره پایان دادن به تهدیدات هسته‌ای با اصول بنیادین ایران در تقابل است؛ کشوری که بارها بر عدم تمایل شرعی به دستیابی به سلاح هسته‌ای تاکید کرده است اما غنی‌سازی را حق مسلم خود می‌داند و معامله بر سر خروج اورانیوم با غنای بالا را (طبق توافق اسلام‌آباد) به مذاکرات تخصصی‌تر در آنیده موکول کرده است. این تضاد میان شرط‌های ترامپ و موانع ساختاری ایران نشان می‌دهد که احتمالا با یک توافق روبرو نیستیم بلکه با یک بازگشت به آتش‌بس موقت روبرو هستیم؛ آتش‌بسی که هر لحظه می‌تواند به آتش بازی بزرگی تبدیل شود.

جمعیت ایران از ۸۷ میلیون نفر عبور کرد

مرکز آمار ایران برآورد جمعیت کشور را بیش از ۸۷ میلیون نفر عنوان کرده است، این در حالی است که پیش‌بینی جمعیت کشور تا پایان سال جاری رسیدن به رقم ۸۷ میلیون و ۱۳۴ هزار نفر است.

بر اساس اعلام مرکز آمار ایران، جمعیت کشور با عبور از ۸۷ میلیون نفر به رقم ۸۷ میلیون و ۶ هزار و ۳۷ نفر رسیده است.

این در حالی است که بر اساس برآوردهای مرکز آمار ایران جمعیت کشور ۸۶ میلیون و ۵۶۲ هزار نفر بوده و پیش‌بینی می‌شود جمعیت کشور تا پایان ۱۴۰۵ به عدد ۸۷ میلیون و ۱۳۴ هزار نفر برسد که بیش از ۶۷ میلیون نفر آن جمعیت شهری و حدود ۲۰ میلیون نفر هم جمعیت روستایی خواهند بود.

همچنین بُعد جمعیت هر خانوار به طور متوسط کمتر از ۳.۲ نفر (۳.۱۹) محاسبه شده که از دهه ۳۰ به این سو به کمترین حد ممکن رسیده است.

در سال ۱۴۰۴ تعداد ولادت‌های ثبت شده در کشور ۸۹۲ هزار و ۲۲۷ نفر و تعداد وفات‌ها حدود ۴۶۰ هزار (۴۵۹ هزار و ۹۸۴) نفر بوده است؛ بیشترین ولادت‌ها در تابستان سال گذشته و بیشترین وفات‌ها در بهار پارسال رخ داده بود.

نوبت دوم

"مصیبت خطرناکترین محل برای سرنشینان است"

آگهی مناقصه

[illegible]

شناسه آگهی: ۲۲۳۹۹۵۲

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان اصفهان

کرسی های مادام العمر در عرصه ی حکمرانی

***عاطفه پیرایش، دانشجوی دکتری فلسفه**



دو سال از شروع به کار دولت پزشکیان می گذرد و تحلیل گران به این بهانه کارنامه کاری دولت را بررسی می کنند، دولتی که تمرکز اصلی خود را بر کار رسانه ای گذاشته است.

از روز نخست تشکیل دولت، پزشکیان با آرمان وفاق میان گروه های انقلابی و معتدل نظام، تاثیرگذاری بر رسانه ها را به راهبرد عملی و مشکل گشا ترجیح داده است. با اتکا به این رویکرد، پزشکیان ترجیح داد در همان مسیری که دولت سیزدهم آغاز کرده بود، قدم بردارد. او به درستی تشخیص داده بود که کشور به مشکلات بسیاری دچار است اما پس از گذشت دو سال از آغاز به کار به عنوان رئیس جمهور، نتوانسته است راه حلی برای این مشکلات بیابد.

دولت پزشکیان همین راهکار رسانه ای را در سایر امور نیز به کار برده است. دولت می خواهد بحران های اقتصادی را با تبلیغات رسانه ای حل و فصل کند و از این رو طرحی مانند کالابرگ را انتخاب کرده است.

در مورد جنگ هم که پنج ماه است کشور را درگیر کرده، دولت به جای آنکه به فکر اقدامی عملی و معقول باشد، به کار رسانه ای روی آورده. روزی از مزایای مذاکرات می گویند و روز دیگر از دستاوردهای نظامی ایران تمجید می کنند. اما به طور کلی حتی نمی دانند باید چه موضعی در رابطه با مسائل حساس جنگ اتخاذ کنند بلکه تصمیم گیری را به ارکان نظامی واگذار کرده اند و خود را صرفا با تصمیمات میدانی هماهنگ می کنند.

اما مشکل این است که دولت حتی در عرصه رسانه نیز نتوانسته است موفق ظاهر شود. دولت نتوانست با وارد شدن در بازی های رسانه ای، موضع گیری علیه توافق با امریکا را تعدیل کند و رضایت مخالفان را جلب کند. از سوی دیگر، چون توافق در نهایت بی نتیجه ماند، نتوانست حمایت موافقان مذاکره را نیز جلب کند. گویی موافقان مذاکره از همان ابتدا از ضعف های دولت مطلع بودند و می دانستند که دولت احتمالا نخواهد توانست در مقابل اراده ی مخالفان مذاکره ایستادگی کند.

دولت از خود به خاطر مدیریت امور داخلی کشور در دوره ی جنگ تجلیل می کند. اما در مورد اقتصاد نیز وضع به همین ترتیب است. تبلیغات رسانه ای صرفا یکی دو روزی بر جامعه اثر می گذارد و پس از فروکش کردن آن، نتایج عملی تصمیمات دولت خود را نشان می دهند. مثلا در مورد کالابرگ از همان ابتدا آشکار بود که این طرح نمی تواند از پس طوفان های تورمی اقتصاد ایران برآید بلکه خود بر وخامت اوضاع خواهد افزود. در نهایت، شش ماه پس از آغاز این طرح، قیمت ها به قدری افزایش یافته است که کالابرگ دیگر کارآرایی خود را از دست داده است و بدهی های بیشتری روی دست دولت گذاشته است. از سوی دیگر، این طرح با هدف مهار رانت خواری اجرا شد اما در عمل رانت و قاچاق هنوز سر جای خودش هست و دیر یا زود دولت ناچار است طرح اقتصادی-رسانه ای جدیدی طراحی کند که چند روزی افکار عمومی را امیدوار می کند اما در نهایت شکست می خورد و وجهه ی عمومی دولت را بیش از پیش تخریب می کند.

دولت باید با این واقعیت کنار بیاید که تمرکز صرف بر تبلیغات رسانه ای با هدف آرام کردن اوضاع و از سر گذراندن بحران ها به صورت موقت راه به جایی نخواهد برد. گویی دولت این وضعیت را پذیرفته است و تنها به این می اندیشد که به هر ترتیب، دوره ی چهارساله خود را به پایان برساند. این امر در فضای سیاسی ایران بسیار عجیب است. نگاهی به ترکیب دولت نیز نشان می دهد که در ایران هر کس پست و مقامی یافته است، همه ی هم و غم خود را بر آن گذاشته است که مقام و منصب خود را حفظ کند و کرسی مادام العمری برای خود در عرصه حکمرانی بیابد.

به نظر می رسد بخشی از این رویکرد منفعلانه، معلول وضعیت جنگی کشور است. گویی برخی از مسئولان چندان از آینده ی خود مطمئن نیستند و نمی دانند چه برآوردی باید داشته باشند و به این نتیجه رسیده اند که تنها با در پیش گرفتن همین شیوه ی کج دار و مریز است که می توانند صرف نظر از نتیجه ی نهایی، به حیات سیاسی خود ادامه دهند.